

شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور با استفاده از تکنیک دلفی و فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

مهدی نوروزی^۱ m.noroozi1980@yahoo.com

چکیده:

صنعت نساجی کشور به عنوان یکی از صنایع مهم، پیشرو، قدیمی، مولد و صنعتی که کشور در آن دارای مزایا و فرصت‌های فراوانی است، امروزه حال و روز چندان مساعدی نداشته و با مشکلات متعددی دست به گریبان است که از مهمترین این مشکلات می‌توان به قاچاق پوشاک، البسه و منسوجات خارجی به داخل کشور اشاره داشت. هدف: تحقیق حاضر با هدف شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور تدوین شده است. روش: تحقیق حاضر از نظر هدف یک تحقیق کاربردی و توسعه‌ای و به لحاظ شیوه مداخله متغیرها، ترکیبی یا آمیخته شامل روش‌های کیفی و کمی (توصیفی - پیمایشی) می‌باشد. در مرحله کیفی، از روش دلفی و مصاحبه و در فاز کمی از فرایند تحلیل سلسله مراتبی AHP استفاده شده است. جامعه آماری: در مرحله کیفی، جامعه آماری شامل خبرگان (۳۵ نفر) حوزه نساجی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز بودند که بر اساس جامعه و نمونه در دسترس، به پژوهش راه یافتند. یافته‌های مرحله کیفی منجر به شناسایی ۴۰ مولفه موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور شد که در قالب ۲ دسته اصلی و اساسی (موسوم به عوامل داخلی عوامل خارجی) و ۱۰ گروه کلی موسوم به عوامل اصلی موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور تقسیم‌بندی شدند و پرسشنامه نهایی تهیه گردید. پس از این مرحله و در بخش کمی، پرسشنامه در میان نمونه آماری (۳۵ نفر با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power) توزیع و با تعیین سه معیار و فاکتور اساسی مقایسه‌ای و تخصیص اوزان به این معیارها، تمامی ۱۰ گروه اصلی از عوامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور به روش AHP و با استفاده از نرم افزار Expert Choice11 مورد ارزیابی و اولویت‌بندی قرار گرفتند. یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان داد که از دیدگاه خبرگان و نخبگان صنعت نساجی کشور، معضلات و مشکلات مدیریتی (عوامل مدیریتی) مهمترین دسته از عوامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی گرایش استراتژیک. (نویسنده مسئول)

می‌باشند. همچنین بر اساس نظر خبرگان یاد شده، با حل شدن معضلات و مشکلات داخلی (مشکلات ناشی از عوامل موجود در داخل کشور) چیزی حدود ۹۲,۶ درصد از معضل قاچاق محصولات نساجی به کشور حل خواهد شد و تنها حدود ۷,۴ درصد از معضل قاچاق این دست از محصولات به کشور به عوامل خارجی (مشکلات ناشی از عوامل موجود در خارج از کشور) بستگی دارد. ضمن آنکه نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که صرفاً با حل شدن و مهار نمودن چهار گروه مهم از معضلات و مشکلات داخلی شامل ۱- معضلات و مشکلات مدیریتی، ۲- مشکلات و معضلات فرهنگی، ۳- معضلات و مشکلات مرتبط با اقتصاد داخلی و ۴- معضلات و مشکلات مرتبط با سیاست داخلی می‌توان تا ۷۷,۸ درصد از قاچاق محصولات نساجی به کشور ممانعت به عمل آورد.

کلید واژه‌ها:

عوامل راهبردی قاچاق، قاچاق محصولات نساجی، تکنیک دلفی، فرآیند تحلیل سلسله

مراتبی AHP

مقدمه:

مطالعه پژوهش‌های صورت گرفته در دهه ای اخیر نشان می‌دهد در آینده‌ای نه چندان دور مزیت رقابتی برخی از کشورهای وابسته به اقتصاد تک محصولی از بین خواهد رفت و لزوم توجه به توسعه صادرات غیرنفتی و توجه به سیاست‌گذاری در این خصوص اهمیت ویژه‌ای خواهد یافت. این امر از نگاه تیزبین کشورهای با مدیریت هوشمندانه مغفول نمانده به گونه‌ای که در دهه‌های گذشته، کشورهایی همچون چین، سنگاپور و مالزی در عرصه صادرات غیرنفتی بسیار موفق عمل نموده‌اند. به عنوان مثال برنامه صادراتی مالزی از ابتدای شروع برنامه توسعه خود تا سال ۲۰۲۰ میلادی افزایش ۲۰ هزار دلار سرانه صادراتی را هدف قرار داده و تحقق بخشید (توکلی و دهقانی سانجی، ۱۳۸۹). این درحالی است که در ایران در برنامه‌های مختلف توسعه پنجم و ششم توجهی ویژه به توسعه صادرات غیر نفتی صورت پذیرفته است اما هنوز با اهداف کلان پیش رو فاصله وجود دارد. یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر نیازمند توجه ویژه بوده و می‌تواند در تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور موثر واقع شود، صنعت نساجی است. این در حالی است که مدت‌هاست که صنعت نساجی و زوال تدریجی آن در محافل صنعتی و

اقتصادی کشور مورد بحث و بررسی است.

صنعت نساجی کشور به عنوان یکی از صنایع مهم، پیشرو، قدیمی، مولد و با ارزش افزوده بالا و کارآفرین و عتی که کشور در آن دارای مزایا و فرصت‌های فراوانی است، امروزه حال و روز چندان مساعدی نداشته و با مشکلات متعددی دست به گریبان است (حسین‌نژاد و ملکی، ۱۳۹۴) که از مهمترین این مشکلات می‌توان به قاچاق پوشاک، البسه و منسوجات خارجی به داخل کشور اشاره داشت که به گواه صاحب‌نظران دانشگاهی، متخصصین، صنعتگران خبره و دست‌اندرکاران این عرصه مهمترین مشکل و معضل حال حاضر این صنعت می‌باشد (مداح، ۱۳۹۱) و وقوع این پدیده امیمون، بسیاری از شرکت‌ها و بنگاه‌های کارآفرین و فعال در این صنعت را به مرزهای زیان دهی و حتی ورشکستگی رسانده است. این در حالیست که کشور ما دارای پتانسیل بالایی در صنعت نساجی بوده و این صنعت یکی از قدیمی‌ترین و ریشه‌دارترین صنایع موجود در ایران می‌باشد (ثوابت و روشنی، ۱۳۹۵). شاید صنعت کشور ما برای دستیابی به جایگاهی مناسب در سطح بین‌المللی و در تراز جهانی در برخی از صنایع نظیر صنعت الکترونیک، هوا فضا و ... راهی سخت و طولانی در پیش رو داشته باشد، اما در صنعت نساجی با مدیریت اصولی و حمایت شایسته از تولیدات داخلی و جلوگیری از قاچاق فراورده‌های نساجی می‌توان به جایگاهی مناسب در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی دست یافت. طبق بررسی‌های صورت پذیرفته و بر اساس گزارش‌های آماری ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عمده واردات قاچاق پوشاک، البسه و منسوجات به کشور از کشورهای چین، ترکیه، تایلند، پاکستان، هند و کره جنوبی بوده که از کشورهای واسطه‌ای نظیر عراق (ایم کردستان)، آذربایجان، افغانستان، امارات، ترکیه و عمان به داخل کشور صورت می‌گیرد. با توجه به گستردگی مرز ایران با این کشورها، برنامه‌ریزی به منظور جلوگیری از ورود این اجناس به شکل قاچاق به دا میهن، نیازمند تدوین راهکارهای اجرایی مبتنی بر دانش مدیریت است.

تحقیقات نشان می‌دهد (درویشی، میرزاخانی، گودرزی و هادیپور، ۱۳۹۸؛ خندان، ۱۳۹۸؛ مسعودی و میرزایی، ۱۳۹۲) عوامل مختلفی اعم از عوامل داخلی و خارجی می‌توانند بر افزایش روند قاچاق بویژه قاچاق پوشاک، البسه و منسوجات به کشور نقش داشته باشند که از جمله آن‌ها می‌توان به وضع تعرفه‌های بالا و سنگین گمرکی بر واردات قانونی این دست از کالاها و عدم رقابت‌پذیری تولیدات داخلی این صنعت با محصولات

مشابه خارجی اشاره نمود (مداح، ۱۳۹۱).

از طرفی مبارزه با قاچاق سازمان یافته این دست از محصولات امری بیچیده و مستلزم شناسایی و درک دقیق از ماهیت جرم قاچاق و عوامل برانگیزاننده آن بوده (بیابانی و نظری، ۱۳۹۱) و بدون شناخت دقیق عوامل موثر بر قاچاق این محصولات و بالتبع آن تدوین راهبردهای لازم، امر مبارزه با قاچاق این دست از محصولات به کشور عملاً بیم و ابتر مانده و تجربه نیز نشان داده که مقابله صرفاً ضربتی و مقطعی یک یا چند دستگاه حکومتی با این پدیده، چندان مفید فایده نبوده و در بسیاری از موارد منجر به موازی کاری و هدر رفت زمان و پتانسیل کشور می‌شود. لذا به منظور تدوین راه حل‌ها و راهکارهای کارکردی به منظور گیری و مقابله با قاچاق این دست از کالاها به داخل کشور، ابتدا باید کلیه عوامل کلیدی و موثر بر قاچاق این محصولات اعم از عوامل داخلی و عوامل خارجی را شناسایی نموده و پس از اولویت‌بندی و رتبه‌بندی این عوامل، نسبت به تدوین راهکارهای پیشگیرانه و مقابله‌ای به منظور گیری از قاچاق این دست از محصولات به داخل میهن اقدام نمود و بر اساس راهکارهای تدوین شده، برنامه‌های وظیفه‌ای هر یک از دستگاه‌های ذی‌مدخل در امر مبارزه با قاچاق این محصولات را به آن‌ها ابلاغ نمود تا هر دستگاه، تکالیف و وظایف خود را در مبارزه با قاچاق این محصولات بدانند و به آن‌ها عمل نمایند.

با توجه به موارد مذکور و ضرورت برخورد جدی و ریشه‌ای با مسئله قاچاق محصولات نساجی به کشور، می‌توان گفت مسئله اصلی این تحقیق، شناسایی و اولویت‌بندی کلیه عوامل کلیدی و موثر بر قاچاق پوشاک، البسه و منسوجات به داخل کشور اعم از عوامل داخلی و عوامل خارجی به منظور تدوین راهکارهای پیشگیرانه و مقابله‌ای جهت جلوگیری از قاچاق این دست از محصولات به کشور با در نظر گرفتن کلیه شرایط حاکم بر فضای صنعت نساجی کشور می‌باشد.

پیشینه و دیدگاه‌های نظری

با بررسی‌های صورت گرفته، عوامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور متعدد بوده و در خصوص این عوامل و میزان اهمیت آن‌ها بر قاچاق این دست از محصولات

و همچنین راهکارهای لازم به منظور پیشگیری و مقابله با قاچاق منسوجات به کشور، تحقیقات قابل توجهی صورت پذیرفته است.

شیخی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری کل عوامل صنعت نساجی و پوشاک ایران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۷۲-۱۳۸۶" و با هدف محاسبه بهره‌وری کل عوامل به تفکیک زیربخش‌های صنعت نساجی و پوشاک و نیز بررسی عوامل مؤثر در افزایش بهره‌وری این عوامل در چارچوب یک مدل اقتصادسنجی لگاریتمی چند متغیره به مطالعه پرداخته است. یافته‌ی تحقیق نشان داد که در دوره مطالعه، سرمایه انسانی متخصص، مالکیت خصوصی، مواد مصرفی خارجی، ماشین‌آلات، صرفه‌جویی ناشی از مقیاس، خدمات آموزشی و هزینه‌های تحقیق و توسعه بر روی بهره‌وری کل، تأثیر مثبت و معنادار داشته که در این میان بیشترین تأثیر مربوط به متغیر مالکیت خصوصی و کمترین تأثیر مربوط به هزینه‌های تحقیق و توسعه است. نرخ ارز مؤثر واقعی و نیز مالکیت عمومی بر روی بهره‌وری کل عوامل، تأثیر منفی و معنادار داشتند.

خدا دادکاشی و منصور جنگ (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر قاچاق منسوجات بر بهره‌وری در صنعت نساجی و پوشاک ایران" به بررسی اثر قاچاق بر رشد بهره‌وری در صنایع بافندگی و پوشاک ایران طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۶ پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد قاچاق کالا اثر منفی و معناداری بر رشد بهره‌وری این صنایع دارد.

صالحی، طبیبی، عسکری و جابری (۱۳۹۳) پژوهشی را با عنوان "چالش‌ها، موانع و راهکارهای پیشنهادی برای توسعه صنایع نساجی و چرم در ایران" انجام دادند. آن‌ها در پژوهش خود چالش‌های پیش روی توسعه صنایع نساجی و چرم به روش تحلیل محتوای اخبار موجود در رسانه‌ها طی سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۳۹۰ را شناسایی نمودند. در این راستا مطالب ارائه شده توسط مدیران خصوصی و دولتی، کارشناسان و صاحب‌نظران با حداقل ۵ سال سابقه کار مستمر و مطرح از تارنماهای معتبر خبری جمع‌آوری و براساس تعریف عملیاتی متغیرها کد گذاری و در نهایت، براساس فراوانی تکرار و تأکید بر این واژگان مقدار اهمیت آن‌ها مشخص شد. باتوجه به نتایج تحلیل و از میان شاخص‌های بررسی و شناسایی شده در صنعت، قابلیت‌های بازاریابی و اندازه صنعت را به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های داخلی و رقابت و ساختار بازار و دولت و مقررات را نیز به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های خارجی صنعت شناسایی نمودند.

صادقی سیاه کلی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "شبیه سازی اثر قاچاق بر سرمایه گذاری در صنعت پوشاک ایران با استفاده از رویکرد پویایی شناسی سیستم‌ها" با استفاده از رویکرد پویایی شناسی سیستم‌ها، رفتار سیستم تولید و مصرف پوشاک ایران را برای دوره زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۴۰۴ شبیه سازی نموده است تا ضمن بررسی وضعیت موجود؛ شرایط تولید و مصرف و شکاف بین این دو، تا سال ۱۴۰۴ را مشاهده کرده و راه‌های دستیابی به افزایش تولید را نیز بررسی و مشخص نماید. در این پژوهش، قاچاق با استفاده از اندازه گیری شکاف بین عرضه و مصرف پوشاک و اثر آن بر سرمایه گذاری در صنعت پوشاک توسط رگرسیون محاسبه شده است. نتایج شبیه سازی پایه، بیانگر روند افزایشی شکاف بین تولید و مصرف پوشاک کشور است. تحلیل حساسیت‌ها نشان داد نرخ قاچاق و نرخ سرمایه گذاری، دو متغیر موثر بر سیستم بوده‌اند؛ به گونه‌ای که با کاهش ۲۵ درصدی نرخ قاچاق، تولید ۵۰ درصد افزایش می‌یابد و با افزایش ۸۰ درصدی نرخ سرمایه گذاری، میزان ارزش تولیدات تا ۲۵ درصد افزایش خواهد داشت.

خندان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "عوامل موثر بر افزایش قاچاق کالا و روش مبارزه با آن با عنایت به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی" به بررسی روابط بین مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته است. محقق ضمن اشاره به عوامل قاچاق و تبیین راهبردهای مربوط به مبارزه با قاچاق در پرتو سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، دریافته‌های خود نشان می‌دهد از آنجایی که این سیاست‌ها با هدف استقلال کشور نوشته شده است، بکارگیری آن تاثیر فراوانی بر کاهش قاچاق در پی خواهد داشت.

مسعودی و میرزایی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا در استان‌های مرزی: مورد مطالعه: استان کردستان" به بررسی علل و عوامل موثر بر قاچاق کالا در استان کردستان پرداختند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که از نظر جامعه آماری (هردو گروه کارشناسان و قاچاقچیان) نرخ بالای بیکاری، در آمد کم و فقر مردم منطقه، از عوامل اساسی افزایش قاچاق کالا در بخش زمینه‌ای هستند. در بخش عوامل ساختاری، اخذ تعرفه و سود گمرکی بالا بر کالاهای وارداتی مهمترین عامل شناخته شد و در بخش عوامل فردی، فقدان انگیزه کاری کارمندان و مسئولین مبارزه با قاچاق الا و ارز که تاحدی ناشی از میزان دستمزد پایین آن‌ها و روابط خشک محیط کاری است، مهمترین عامل می‌باشد.

مطالعه پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که گروهی از صاحب‌نظران، معتقد به ارجحیت عوامل داخلی موثر بر قاچاق منسوجات بر عوامل خارجی بوده و گروهی دیگر نیز بر عکس این نظر را داشته و معتقد به ارجحیت عوامل خارجی بر عوامل داخلی هستند. همچنین گروهی از صاحب‌نظران معتقد به راهبردهای پیشگیرانه به منظور مقابله با قاچاق کالاهای نساجی بوده و گروهی دیگر نیز معتقد به راهبردهای ضربتی و مبارزه فیزیکی با قاچاقچیان بوده و دسته سومی نیز معتقد به تلفیق راهبردهای پیشگیرانه و ضربتی به منظور مقابله با قاچاق این دست از کالاها به داخل کشور هستند.

با توجه به اینکه فعالان این صنعت در کشور جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند، به نظر می‌رسد ضربه به این صنعت، موجب انتقال صدمات شدید اقتصادی و اجتماعی به بدنه جامعه شده و منجر به رکود این صنعت در کشور و بروز بیکاری در خیل عظیم شاغلین در آن صنعت می‌گردد. لذا ضرورت دارد که بررسی‌های لازم در زمینه راهکارهای کلان مبارزه با قاچاق پوشاک، البسه و منسوجات به داخل کشور صورت گیرد. علاوه بر آن ورود البسه و پوشاک خارجی که نماد فرهنگی هر جامعه محسوب می‌گردد، موجب کم رنگ شدن هویت جامعه ایرانی می‌گردد و ورود پوشاک و البسه‌ای که تناسبی با فرهنگ اسلامی - ایرانی ندارد، می‌تواند موجب بروز مشکلات جدی فرهنگی و جامعه شناختی در کشور گردد.

مروری بر ادبیات تحقیق:

در این تحقیق، اصطلاحات و مفاهیم ذیل در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف: کالای قاچاق: هر نوع کالایی که بصورت غیر قانونی و بدون گذراندن تشریفات گمرکی وارد کشور شده و یا از کشور خارج گردد.

ب: قاچاق کالا: هرگونه فعل و عملکردی که موجب ورود و یا خروج غیر قانونی کالا از مرزهای کشور گردد.

پ: محصولات نساجی: هر محصول و فرآورده‌ای که بتوان آن را محصول کاربردی و تجاری صنعت نساجی دانست نظیر نخ و الیاف طبیعی فراوری شده، الیاف مصنوعی، انواع

مختلف پارچه، انواع مختلف پوشاک و لباس، پتو و امثالهم.

ت: عزم ملی: اراده راسخ، کامل و تمام عیار همگی آحاد و افراد جامعه به منظور تحقق و رسیدن به یک هدف ملی مشترک می‌باشد.

ث: عوامل فرهنگی: لیه عناصری است که فرهنگ یک جامعه را تشکیل و داده و عمدتاً شامل دانش‌ها، باورها، اعتقادات، اخلاقیات، عادات و آداب و رسوم یک جامعه می‌شود.

در ای تحقیق منظور از عوامل فرهنگی به شکل خاص عبارتست از کلیه معضلات و مشکلات موجود در حوزه فرهنگی کشور که بر اساس باور خبرگان می‌تواند منجر به ورود قاچاق محصولات اجی به کشور گردد.

چنین این عوامل شامل برخی الزامات و تمهیدات در حوزه فرهنگی کشور می‌شود که به باور خبرگان این امر می‌تواند مانع ورود محصولات نساجی به شکل قاچاق به کشور گردد.

ج: عوامل انسانی و اجتماعی: کلیه عناصری است که منجر به ایجاد یک اجتماع و یا یک طبقه اجتماعی خاص شده و افراد با توجه به این عناصر در این طبقات اجتماعی قرار می‌گیرند که عمدتاً شامل قومیت، ثروت، میزان تحصیلات، میزان برخورداری از رفاه اجتماعی، موقعیت جغرافیایی محل سکونت، توسعه یافتگی محل سکونت و امثالهم می‌گردد.

در ای تحقیق منظور از عوامل انسانی و جامعه شناختی به شکل خاص عبارتست از کلیه معضلات و مشکلات موجود در حوزه اجتماعی کشور که بر اساس باور خبرگان می‌تواند منجر به ورود قاچاق محصولات اجی به کشور گردد.

چ: عوامل اقتصادی: کلیه عناصری است که منجر به تولید، توزیع، مصرف و تجارت کالا و خدمات در کشور می‌شود که از مهمترین آن‌ها می‌توان به ثروت‌های طبیعی و خدادادی کشور، نیروی کار، سرمایه‌ها و دارایی‌های کشور، راهبردهای کلان اقتصادی، جایگاه کشور در نظام اقتصاد جهانی و ... اشاره کرد.

در ای تحقیق منظور از عوامل اقتصادی (اعم از عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد

داخلی و عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد بین الملل) به شکل خاص عبارتست از کلیه معضلات و مشکلات موجود در حوزه اقتصاد داخلی و اقتصاد بین المللی کشور به بر اساس باور خبرگان می‌تواند منجر به ورود قاچاق محصولات نساجی به کشور گردد.

ح: عوامل سیاسی: کلیه عناصری است که نظام‌های حکومتی و دولت‌ها برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف ملی کشور خود به کار بسته و به وسیله آن عوامل نسبت به مدیریت کلان و عالی جامعه خود و نحوه برخورد و تعامل خود با سایر کشورها اقدام می‌نمایند.

در این تحقیق منظور از عوامل سیاسی (اعم از عوامل سیاسی مربوط به سیاست داخلی و عوامل سیاسی مربوط به سیاست بین الملل) به شکل خاص عبارتست از کلیه معضلات و مشکلات موجود در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور به بر اساس باور خبرگان می‌تواند منجر به ورود قاچاق محصولات نساجی به کشور گردد.

چنین این عوامل شامل برخی الزامات و تمهیدات در حوزه سیاست داخلی کشور می‌شود که به باور خبرگان این امر می‌تواند مانع ورود محصولات نساجی به شکل قاچاق به کشور گردد.

خ: عوامل قانونی: کلیه عناصر مؤثر بر تنظیم قوانین و همچنین قوانین مصوبی است که تنظیم‌کننده تعاملات میان افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در یک جامعه می‌باشد.

در این تحقیق منظور از عوامل قانونی به شکل خاص عبارتست از کلیه معضلات و مشکلات موجود در حوزه قوانین کشور که بر اساس باور خبرگان می‌تواند منجر به ورود قاچاق محصولات نساجی به کشور گردد.

همچنین این عوامل شامل برخی الزامات و تمهیدات در حوزه قوانین موضوعه کشور می‌باشد که به باور خبرگان این امر می‌تواند مانع ورود محصولات نساجی به شکل قاچاق به کشور گردد.

د: عوامل فنی و تکنولوژیک: کلیه عناصر و عواملی است که منجر به تولید فن‌آورانه یک محصول (در اینجا محصولات نساجی) در یک کشور می‌گردد.

در این تحقیق منظور از عوامل فنی و تکنولوژی به شکل خاص عبارتست از کلیه معضلات و مشکلات موجود در فرآیند تولید فن‌آورانه محصولات نساجی در کشور که بر

اساس باور خبرگان می‌تواند منجر به ورود قاچاق محصولات نساجی به کشور گردد. همچنین این عوامل شامل برخی الزامات و مهیدات در فرآیند تولید فن‌آورانه محصولات نساجی در کشور می‌شود که به باور خبرگان این امر می‌تواند مانع ورود محصولات نساجی به شکل قاچاق به کشور گردد.

ذ: عوامل مدیریتی: مدیریت، فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد و عوامل مدیریتی عوامی هستند که می‌توانند بر این فرآیند تاثیر مستقیم داشته باشند.

در این تحقیق منظور از عوامل مدیریتی به شکل خاص عبارتست از کلیه معضلات و مشکلات موجود در حوزه مدیریتی صنعت نساجی و سطوح کلان مدیریتی در کشور و همچنین برخی کاستی‌های ناشی از سوء مدیریت‌ها در این صنعت که بر اساس باور خبرگان می‌تواند منجر به ورود قاچاق محصولات نساجی به کشور گردد.

همچنین این عوامل شامل برخی الزامات و تمهیدات در حوزه مدیریتی صنعت نساجی و حوزه مدیریت کلان کشور می‌شود که به باور خبرگان می‌تواند مانع ورود محصولات نساجی به شکل قاچاق به کشور گردد.

ر: عوامل سازمانی: بطور عام منظور از این عوامل، عواملی است که می‌تواند به شکل ر بر عملکرد یک سازمان مؤثر واقع شوند.

در این تحقیق منظور از عوامل سازمانی به شکل خاص عبارتست از کلیه معضلات و مشکلات ناشی از ضعف‌ها و نقایص موجود در سازمان‌های مرتبط با صنعت نساجی و روابط موجود بین سازمان‌های دخیل در مقابله با قاچاق محصولات نساجی به کشور که بر اساس باور خبرگان می‌تواند منجر به ورود قاچاق این دست از محصولات به کشور گردد.

ز: خبرگان: در این تحقیق مراد از خبرگان، کارشناسان و متخصصان برجسته صنعت نساجی هستند که دارای سوابق و تجارب علمی و عملی ویژه و طویل‌المدت در صنعت نساجی بوده و به خوبی با این صنعت و نقاط قوت و ضعف آن آشنا و کامل‌داشته و بر پدیده قاچاق محصولات نساجی به کشور اشراف کامل دارند.

روش‌شناسی:

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی - توسعه‌ای و به لحاظ شیوه مداخله متغیرها، ترکیبی یا آمیخته شامل روش‌های کیفی و کمی (توصیفی - پیمایشی) می‌باشد. در مرحله کیفی، از روش دلفی و مصاحبه استفاده شده است. جامعه آماری در این بخش شامل خبرگان حوزه نساجی و مبارزه با قاچاق کالا و ارز بودند که بر اساس جامعه و نمونه در دسترس به پژوهش راه یافتند. در این بخش با استفاده از مطالعه منابع، مولفه‌های مؤثر بر قاچاق منسوجات شناسایی و در قالب چک لیست اولیه میان اعضاء گروه خبرگان، متشکل از ۳۵ نفر، توزیع گردید و پس از تکمیل و گردآوری آن ۱۰ پس از جرح و تعدیل و توزیع مجدد میان خبرگان، در نهایت تعداد ۴۰ مولفه شامل موانع مؤثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور مورد شناسایی و توافق قرار گرفتند. سپس هریک از این ۴۰ مولفه در ۱۰ گروه کلی از عوامل شامل عوامل مدیریتی، فرهنگی، سازمانی، قانونی، فنی، اجتماعی، سیاست داخلی، اقتصاد داخلی، سیاست خارجی و اقتصاد بین الملل قرار گرفتند و ۱۰ گروه اخیر نیز هریک به نوبه خود در یکی از دو دسته اصلی و اساسی موسوم به عوامل داخلی و عوامل خارجی مورد بررسی قرار گرفتند. در فاز بعدی، عوامل شناسایی شده در فاز نخست با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) با در نظر گرفتن سه فاکتور اصلی مقایسه شامل ۱- سرعت هر چه بیشتر در مهار قاچاق، ۲- صرف هزینه هر چه کمتر در مهار قاچاق و ۳- استمرار مهار قاچاق برای مدت زمان هر چه مدیدتر و طولانی‌تر و از طریق تشکیل ماتریس‌های مقایسه زوجی و با بهره‌گیری از نرم افزار Expert Choice¹¹ مورد اولویت‌بندی قرار گرفتند. در مرحله کمی، از پرسشنامه ساختاریافته (محقق‌ساخته) مبتنی بر نتایج حاصله از مرحله کیفی با آلفای کرونباخ ۰/۸۵ استفاده شد که توسط جامعه آماری تحقیق تکمیل گردید. جامعه آماری در این بخش از حقیق شامل بیش از ۱۰۰ نفر از متخصصان و تولید کنندگان محصولات نساجی، مدیران و مهندسين ارشد صنایع نساجی کشور در بخش‌های دولتی و خصوصی، اساتید مجرب دانشگاهی و کارشناسان صنعت نساجی کشور و فعالان اقتصادی در این حوزه بودند. به منظور برآورد حجم نمونه در این بخش از نرم افزار SPSS Sample Power استفاده شده است. این نرم افزار با در نظر گرفتن عوامل تاثیرگذار بر حجم نمونه در موقعیت‌های مختلف و متناسب با روش‌های آماری تحلیل داده، حجم بهینه نمونه را برآورد می‌کند.

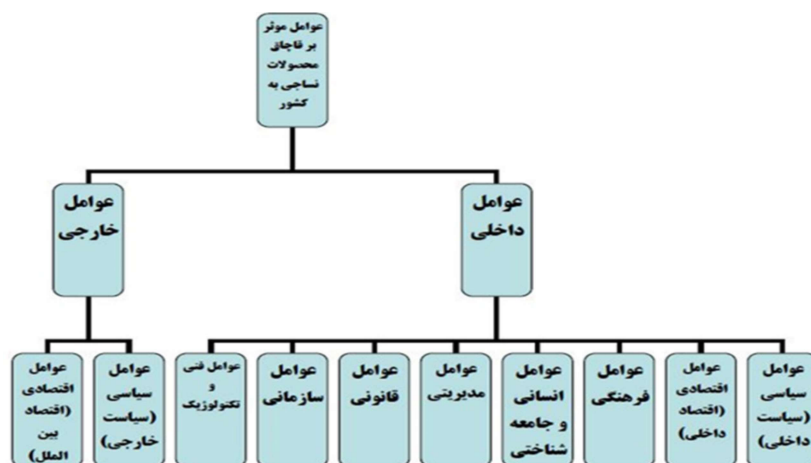
با مدنظر قرار دادن حداکثر متغیرهای مستقل اثرگذار بر متغیرهای وابسته درگیر در مدل‌های رگرسیونی پژوهش و درصد خطای ۵٪، توان بالای ۰/۹۰ و حجم اثر ۳٪، حجم نمونه معادل ۳۵ نفر تعیین گردید.

یافته‌ها:

الف. بخش کیفی:

همانگونه که گفته شد در فاز نخست و به عبارت بهتر فاز کیفی پژوهش حاضر، با استفاده از روش دلفی و توزیع پرسشنامه دور اول و چک لیست‌های اولیه میان اعضاء گروه خبرگان و جمع‌آوری این پرسشنامه‌ها و توزیع پرسشنامه‌های دور دوم و جمع‌آوری مجدد این دور از پرسشنامه‌ها، تعداد ۴۰ مولفه موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور پس از جرح و تعدیل‌های متعدد مورد شناسایی و توافق گروه خبرگان قرار گرفتند. سپس با توافق خبرگان هریک از این ۴۰ مولفه در ۱۰ گروه کلی از عوامل شامل عوامل مدیریتی، فرهنگی، سازمانی، قانونی، فنی، اجتماعی، سیاست داخلی، اقتصاد داخلی، سیاست خارجی و اقتصاد بین الملل قرار گرفتند و ۱۰ گروه اخیر نیز مجدداً با توافق حاصله میان خبرگان، هریک به نوبه خود در یکی از دو دسته اصلی و اساسی موسوم به عوامل داخلی و عوامل خارجی واقع شدند. نمودار و جدول شماره (۱) بیانگر موارد مذکور می‌باشد.

نمودار ۱: دسته بندی عوامل اصلی موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور



جدول ۱: نحوه توزیع ۴۰ مولفه اثرگذار بر قاچاق محصولات نساجی به کشور در ۱۰

دسته عوامل اصلی

ردیف	عامل اصلی	مولفه های زیر مجموعه هر عامل اصلی
۱	عوامل سیاسی مربوط به سیاست داخلی	۱. ضعیف بودن عزم ملی در مبارزه با قاچاق منسوجات ۲. تغییر ناگهانی سیاستهای اقتصادی با تغییر دولتها ۳. اجرای کند و آهسته سیاستهای اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در حوزه های مختلف ۴. عدم شفافیت در اجرای صحیح و اصولی اصل ۴۴ قانون اساسی
۲	عوامل سیاسی مربوط به سیاست بین الملل	وجود تضاد بنیادین بین اصول سیاسی جمهوری اسلامی ایران و اصول سیاسی برخی قدرتهای مطرح جهانی تلاش برخی قدرتهای جهانی برای ضربه زدن به اقتصاد و تولیدات داخلی ایران وجود تحریمهای ظالمانه بر علیه ملت ایران
۳	عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد داخلی	۱. وابستگی به درآمدهای نفتی و وجود اقتصاد نفت محور ۲. رکود اقتصادی حاکم بر اقتصاد کشور و بالتبع آن رکود حاکم بر صنعت نساجی کشور ۳. وجود چالشهای متعدد در مسیر سرمایه گذاری خارجی در صنعت نساجی ۴. عدم همکاری مناسب بانکها در ارائه تسهیلات لازم به منظور حمایت از صنعت نساجی
۴	عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد بین الملل	۱. رقابت بسیار شدید بین کشورها برای فروش محصولات نساجی در کشورهای مختلف از هر طریق ممکن ۲. وجود پدیده دامپینگ در ورود محصولات نساجی از برخی از کشورهای خارجی به کشور
۵	عوامل فرهنگی	۱. کم رنگ بودن فرهنگ داشتن عرق و تعلق خاطر به تولیدات داخلی ۲. عدم ترویج فرهنگ تولید محصولات نساجی با کیفیت بالا و در سطح و کلاس جهانی در داخل ۳. شیوع فرهنگ تفاخر با استفاده از البسه و پوشاک دارای برندهای معروف و معتبر خارجی ۴. کم کاری دستگاههای مرتبط با فرهنگ عمومی جامعه در بحث مبارزه با قاچاق و عدم استفاده از پوشاک قاچاق
۶	عوامل انسانی و جامعه شناختی	۱. وجود فاصله طبقاتی ۲. ضعیف بودن نظامهای تامین اجتماعی و تامین آتیه کارکنان و کارگران شاغل در صنایع نساجی ۳. تغییر ارزشها و تبدیل شدن استفاده از البسه و پوشاک خارجی به یک ارزش بالاخص در بین جوانان ۴. تبدیل شدن جامعه ایرانی به یک جامعه مصرف گرا
۷	عوامل مدیریتی	۱. ضعیف بودن عزم مبارزه با قاچاق کالا در برخی از سطوح مدیریتی کشور و در سطح ملی ۲. ضعف در سوق دهی مدیریت مبارزه با قاچاق کالا به سمت مردمی شدن ۳. ضعف در استفاده از مدیران شایسته در صنعت نساجی و در دستگاههای مرتبط با این صنعت ۴. وجود ضعفهای مدیریتی در برخی از دستگاههای ذی مدخل در امر مبارزه با قاچاق ۵. ضعف در استفاده مناسب و حداکثری از ظرفیتهای تولیدی داخل در حوزه صنعت نساجی ۶. عدم رقابت پذیری محصولات داخلی با محصولات خارجی از منظر قیمت و کیفیت ۷. عدم توجه مناسب به مقوله برندسازی در صنعت نساجی
۸	عوامل قانونی	۱. وجود قوانین و مقررات متعدد ، پیچیده و دست و پاگیر در حوزه تولید و تجارت قانونی ۲. عدم اجرای صحیح و ضابطه مند قوانین و مقررات فعلی در حوزه تولید و تجارت قانونی ۳. وجود خلأ ها و مفرهای قانونی و مفسده انگیز در قوانین مربوط به تولید و تجارت قانونی ۴. ضعیف بودن و عدم تناسب مجازاتهای مربوط به برخی پرونده های کلان قاچاق با جرم
۹	عوامل سازمانی	۱. وجود ضعف در تبعیت همگی سازمانها از برنامه های مصوب ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز بعنوان مرکز فرماندهی مبارزه با قاچاق انواع کالا ۲. وجود ضعف و کم کاری در برخی از سازمانهای دخیل در بازاریابی ، برند سازی و فروش محصولات نساجی ۳. مصلحت جویی در شناسایی و معرفی سازمانها و دستگاههای حاکمیتی ضعیف و کم کار در زمینه مبارزه با قاچاق کالا و مجازات مسئولین ذیربط
۱۰	عوامل فنی و تکنولوژیک	۱- به روز نبودن فناوریهای موجود در صنعت نساجی ۲- کم تحرکی دانشگاهها ، مراکز علمی و صنایع به منظور ساخت و تولید سامانه های به روز مورد نیاز صنعت نساجی کشور. ۳- عدم ارائه تجهیزات و فناوریهای روز در صنعت نساجی توسط برخی از کشورهای صاحب صنعت به تولید کنندگان داخلی ۴- عدم توجه به نوآوری و کار آفرینی در تولید محصولات نساجی ۵- عدم استفاده از فناوریهای نوین در گمرکات و سایر مبادی ورودی کشور

ب: بخش کمی

نتایج حاصل از بخش کیفی مجدداً در قالب پرسشنامه نهایی به منظور وزن دهی و تعیین مولفه‌های اصلی تاثیرگذار در قاچاق کالاهای حوزه منسوجات و رتبه دی این

مولفه‌ها در میان نمونه آماری مورد مطالعه توزیع شد. نتایج به دست آمده بر اساس تحلیل سلسله مراتبی AHP و به استناد بررسی ای گروه نخبگان در مرحله قبل، بر اساس سه معیار مشخص زیر مورد قیاس و تجزیه و تحلیل قرار گرفت:

۱- فاکتور یا معیار (استمرار مهار قاچاق برای مدت زمان مدیدتر و طولانی‌تر)

۲- فاکتور یا معیار (سرعت هر چه بیشتر در مهار قاچاق)

۳- فاکتور یا معیار (صرف هزینه کمتر در مهار قاچاق)

یافته‌های تحقیق نشان داد که در میان سه فاکتور اصلی مقایسه میان عوامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور، فاکتور (استمرار مهار قاچاق برای مدت زمان مدیدتر و طولانی‌تر) با وزنی معادل ۰,۶۵۱ به عنوان مهمترین فاکتور قیاس میان عوامل یاد شده شناخته شد. فاکتور (سرعت هر چه بیشتر در مهار قاچاق) با وزنی معادل ۰,۲۲۹ و پس از آن فاکتور (صرف هزینه کمتر در مهار قاچاق) با وزنی برابر با ۰,۱۲۰ در رتبه‌های بعدی اهمیت در قیاس میان عوامل راهبردی موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور قرار گرفتند. در واقع بر اساس نظر گروه خبرگان، شاخص مهمتر و ارجحتر در مقایسه میان دو عامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور، آن عاملی (یا به عبارت بهتر آن مشکل و معضلی) است که برطرف شدن آن بتواند منجر به کاهش قاچاق محصولات نساجی به کشور برای مدتی مدیدتر و طولانی‌تر گردد. بر این اساس مهمترین عامل در قاچاق محصولات نساجی به کشور آن عامل (یا به عبارت بهتر آن مشکل و معضلی) است که برطرف شدن آن بتواند کاهش قاچاق محصولات نساجی به کشور را برای مدت زمانی طولانی‌تر و با سرعتی بیشتر و با صرف هزینه‌ای کمتر نسبت به سایر عوامل به ارمغان آورد.

در گام بعدی از فرایند تحلیل سلسله مراتبی، تمامی عوامل ده گانه فوق (عوامل راهبردی موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور) بصورت دو به دو و بر اساس هریک از سه فاکتور اصلی مقایسه فوق الذکر بصورت مجزا مورد ارزیابی قرار گرفتند. شکل (۱) بصورت شماتیک نشانگر نحوه اجرای فرایند تحلیل سلسله مراتبی AHP به عمل آمده در این پژوهش به منظور اولویت‌بندی عوامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور می‌باشد.

شکل (۱): اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر قاچاق محصولات نساجی کشور



منبع: یافته‌های تحقیق

در این مرحله به هر یک از اعضاء نمونه آماری، پرسشنامه استاندارد فرایند AHP داده شد و از هر یک از آنان خواسته شد که با توجه به فاکتورهای ارائه شده به عنوان نمونه (سرعت هر چه بیشتر در مهار قاچاق) عوامل مدیریتی را با ۹ عامل دیگر بصورت دو به دو مقایسه کرده و نمرات اعطایی خود را در پاسخ نامه مربوطه درج کنند. این مقایسات دو به دو میان کلیه عوامل ده‌گانه یاد شده و با توجه به هریک از معیارها یا فاکتورهای مقایسه، توسط همگی اعضاء گروه خبرگان انجام شد و داده‌های حاصله از پاسخگویی گروه خبرگان به منظور انجام محاسبات آماری، تشکیل ماتریس‌های قیاس دو به دو، محاسبه نرخ ناسازگاری (به منظور سنجش پایایی پاسخ‌ها)، تلفیق و پردازش داده‌ها و نهایتاً ارائه نتایج نهایی و تبدیل داده ۱ به اطلاعات قابل بررسی و استناد به نرم افزار Expert choice11 (نرم افزار تخصصی فرآیند تحلیل سلسله مراتبی) سپرده شد. نتایج حاصله از پردازش داده‌ها در خروجی نرم افزار به شرح جداول ذیل می‌باشد:

جدول ۲: اولویت‌بندی عوامل موثر برق‌چاق محصولات نساجی بر اساس معیار (سرعت هر چه بیشتر در مهار قاجاق)

ردیف	عنوان عاملی که باید مهار شود	درصد ارجحیت
۱	عوامل فرهنگی	۲۵/۵ درصد
۲	عوامل مدیریتی	۲۲/۳ درصد
۳	عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد داخلی	۱۹/۹ درصد
۴	عوامل سیاسی مربوط به سیاست داخلی	۹/۵ درصد
۵	عوامل فنی و تکنولوژیک	۵ درصد
۶	عوامل سیاسی مربوط به سیاست بین‌المللی	۴/۵ درصد
۷	عوامل انسانی و جامعه‌شناختی	۳/۹ درصد
۸	عوامل قانونی	۳/۴ درصد
۹	عوامل سازمانی	۳/۲ درصد
۱۰	عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد بین‌الملل	۲/۸ درصد

: اولویت‌بندی عوامل موثر برق‌چاق محصولات نساجی بر اساس معیار (صرف هزینه

جدول ۳: اولویت‌بندی عوامل موثر برق‌چاق محصولات نساجی بر اساس معیار (صرف هزینه کمتر در مهار قاجاق)

ردیف	عنوان عاملی که باید مهار شود	درصد ارجحیت
۱	عوامل فرهنگی	۲۳ درصد
۲	عوامل مدیریتی	۲۱/۸ درصد
۳	عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد داخلی	۲۱ درصد
۴	عوامل سیاسی مربوط به سیاست داخلی	۸/۷ درصد
۵	عوامل قانونی	۶/۳ درصد
۶	عوامل سیاسی مربوط به سیاست بین‌المللی	۴/۳ درصد
۷	عوامل سازمانی	۴/۲ درصد
۸	عوامل انسانی و جامعه‌شناختی	۴ درصد
۹	عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد بین‌الملل	۳/۴ درصد
۱۰	عوامل فنی و تکنولوژیک	۳/۳ درصد

جدول ۴: اولویت بندی عوامل مؤثر بر قاچاق محصولات نساجی بر اساس معیار (مهيار قاچاقی برای مدت زمان زهر نچه بیشتر)

ردیف	عنوان عاملی که باید مهيار شود	درصد ارجحیت
۱	عوامل مدیریتی	۲۵/۹ درصد
۲	عوامل فرهنگی	۲۳/۹ درصد
۳	عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد داخلی	۱۹/۶ درصد
۴	عوامل سیاسی مربوط به سیاست داخلی	۹/۱ درصد
۵	عوامل سیاسی مربوط به سیاست بین المللی	۴/۵ درصد
۶	عوامل قانونی	۴/۱ درصد
۷	عوامل سازمانی	۳/۴ درصد
۸	عوامل فنی و تکنولوژیک	۳/۴ درصد
۹	عوامل انسانی و جامعه شناختی	۳/۲ درصد
۱۰	عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد بین المللی	۲/۹ درصد

در اطلاعات مندرج در جداول (۲، ۳ و ۴) اولویت بندی عوامل ۱۰ گانه مؤثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور با توجه به فقط یه معیار (یک فاکتور مقایسه ای) در هر بخش مورد ارزیابی قرار گرفته است.

یافته ای جداول (۲ و ۳ و ۴) نشان می دهد که اگر تصمیم سازان و برنامه ریزان در تدوین راهبردهای لازم به منظور مهيار قاچاق محصولات نساجی به کشور، فقط یکی از معیارهای سرعت در مهيار قاچاق، صرف هزینه کمتر در مهيار قاچاق و یا مهيار قاچاق برای مدت زمان مدیدتر و طولانی تر (استمرار اثر) را مد نظر داشته باشند، باید به ترتیب به دنبال مهيار عوامل مندرج در ردیفهای ۱ تا ۱۰ از جداول فوق الذکر باشند.

در بخش بعدی از پژوهش حاضر، اولویت بندی این عوامل ۱۰ گانه با در نظر گرفتن اوزان نسبی معیارهای قیاس و برآیند اوزان نسبی آنها مورد ارزیابی قرار گرفته است که در واقع نشانگر میزان ارجحیت نسبی هر یک از عوامل ۱۰ گانه نسبت به برآیند تاثیر معیارها بر اولویت بندی عوامل مؤثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور است. در واقع می توان گفت خروجی و نتایج این بخش میزان ارجحیت و اهمیت هر یک از عوامل اصلی ۱۰ گانه بر قاچاق محصولات نساجی به کشور (با توجه به تاثیر نسبی اهمیت معیارها

بر آنها) را نشان می‌دهد.

نتایج تحقیق در این بخش نشان داد که در بین عوامل ۱۰ گانه اصلی و موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور (با لحاظ نمودن اوزان نسبی معیارهای قیاس و برآیند اوزان نسبی آنها)، عوامل مدیریتی با کسب ۲۴/۶ درصد بیشترین تاثیر و اهمیت بر قاچاق محصولات نساجی به کشور را داشته و عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد بین‌المللی با سب ۲/۹ درصد کمتری میزان تاثیر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور را دارا هستند. جدول (۵) نشانگر میزان اهمیت و تاثیر هر یک از عوامل ۱۰ گانه بر قاچاق محصولات نساجی به کشور است.

جدول ۵: اولویت‌بندی عوامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی با توجه به برآیند تاثیر

معیارهای سه‌انه

معیارهای سه

ردیف	عنوان عامل	درصد اهمیت و تاثیر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور
۱	عوامل مدیریتی	۲۴/۶ درصد
۲	عوامل فرهنگی	۲۴/۲ درصد
۳	عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد داخلی	۱۹/۹ درصد
۴	عوامل سیاسی مربوط به سیاست داخلی	۹/۱ درصد
۵	عوامل سیاسی مربوط به سیاست بین‌المللی	۴/۵ درصد
۶	عوامل قانونی	۴/۲ درصد
۷	عوامل فنی و تکنولوژیک	۳/۸ درصد
۸	عوامل انسانی و جامعه‌شناختی	۳/۵ درصد
۹	عوامل سازمانی	۳/۳ درصد
۱۰	عوامل اقتصادی مربوط به اقتصاد بین‌المللی	۲/۹ درصد

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول شماره (۱)، هریک از عوامل ده گانه اصلی موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور نیز به نوبه خود دارای تعدادی مولفه در زیر مجموعه خود بودند که این مولفه‌ها نیز توسط نمونه مورد مطالعه مورد اولویت‌بندی قرار گرفتند. بر اساس نتایج به دست آمده در این تحقیق، مولفه‌های موجود در زیر مجموعه عوامل مدیریتی (به عنوان مهمترین عامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور) منطبق با نتایج حاصله از جدول (۵) نیز با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی AHP توسط نمونه مورد مطالعه مورد اولویت‌بندی واقع گردیدند.

یافته‌های تحقیق بر اساس مقایسه زوجی هریک از مولفه‌های تشکیل دهنده عوامل

مدیریتی با در نظر گرفتن معیار (اهمیت در قاچاق محصولات نساجی به کشور) نشان داد ضعیف بودن عزم مبارزه با قاچاق کالا در برخی از سطوح مدیریتی کشور و در سطح ملی با اختصاص ۲۷,۴ درصد از ارجحیت به خود، مهمترین مولفه (مهمترین معضل) در میان مولفه‌های تشکیل دهنده عوامل مدیریتی (مشکلات و معضلات مدیریتی) مؤثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور می‌باشد.

جدول (۶) اولویت‌بندی مولفه‌های تشکیل دهنده عوامل مدیریتی مؤثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور را نشان می‌دهد.

جدول ۶: اولویت‌بندی مولفه‌های تشکیل دهنده عوامل مدیریتی مؤثر بر قاچاق محصولات نساجی

ردیف	عنوان مؤلفه	درصد ارجحیت
۱	ضعیف بودن عزم مبارزه با قاچاق کالا در برخی از سطوح مدیریتی کشور و در سطح ملی	۲۷/۴ درصد
۲	ضعف در سوق دهی مدیریت مبارزه با قاچاق کالا به سمت مردمی شدن	۱۸/۶ درصد
۳	ضعف در استفاده از مدیران شایسته در صنعت نساجی و در دستگاههای مرتبط با این صنعت	۱۸/۴ درصد
۴	وجود ضعفهای مدیریتی در برخی از دستگاههای ذی مدخل در امر مبارزه با قاچاق	۱۶ درصد
۵	ضعف در استفاده مناسب و حداکثری از ظرفیتهای تولیدی داخل در حوزه صنعت نساجی	۷/۴ درصد
۶	عدم رقابت پذیری محصولات داخلی با محصولات خارجی از منظر قیمت و کیفیت	۶/۳ درصد
۷	عدم توجه مناسب به مقوله برندسازی در صنعت نساجی	۵/۹ درصد

بحث و نتیجه‌گیری:

بر اساس نتایج این تحقیق، شاه کلید رهایی از معضل قاچاق محصولات نساجی به کشور، فائق آمدن بر مشکلات و معضلات داخلی یا همان عوامل داخلی مؤثر بر قاچاق این دست از محصولات به کشور می‌باشد. این تحقیق نشانگر آن است که بر اساس نظر خبرگان و نخبگان صنعت نساجی کشور، با حل شدن معضلات و مشکلات داخلی و غلبه بر این عوامل داخلی چیزی حدود ۹۲,۶ درصد از معضل قاچاق محصولات نساجی به کشور حل خواهد شد و تنها حدود ۷,۴ درصد از معضل قاچاق این دست از محصولات به کشور به عوامل خارجی بستگی دارد و این نتیجه یادآور فرمایش رهبری معظم انقلاب است که می‌فرمایند: علاج مشکلات کشور، در داخل کشور است.

همچنین این پژوهش نشانگر آن است که بر اساس نظر نخبگان و خبرگان صنعت نساجی کشور، صرفاً با حل شدن و مهار نمودن چهار دسته مهم از معضلات و مشکلات

داخلی شامل ۱. معضلات و مشکلات مدیریتی، ۲. مشکلات و معضلات فرهنگی، ۳. مشکلات مرتبط با اقتصاد داخلی و ۴. معضلات و مشکلات مرتبط با سیاست داخلی می‌توان تا ۷۷,۸ درصد از قاچاق محصولات نساجی به کشور ممانعت به عمل آورد.

علاوه بر این، براساس نتایج حاصله از این پژوهش و با توجه به وزن دهی نخبگان و خبرگان صنعت نساجی کشور به فاکتورها یا معیارهای اصلی در مقایسه میان عوامل راهبردی موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور مشخص گردید که در تدوین راهبردها و برنامه‌های بلند مدت به منظور مقابله و مبارزه با قاچاق محصولات نساجی به کشور باید به راهبردهایی توجه شود که معطوف به (استمرار اثر در مهار قاچاق) شده و به عبارتی منجر به مهار قاچاق این دست از محصولات به کشور برای مدت زمانی مدیدتر و طولانی‌تر گردند و راهبردهای مبتنی بر (سرعت هر چه بیشتر در مهار قاچاق) و (صرف هزینه کمتر در مهار قاچاق) در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

بر اساس یافته‌های این تحقیق و با توجه به نظر گروه خبرگان، مهمترین دست از عوامل موثر بر قاچاق محصولات نساجی به کشور از میان عوامل ده‌گانه موثر بر این امر، معضلات و مشکلات مدیریتی موجود در کشور یا همان عوامل مدیریتی با میزان ارجحیتی معادل ۲۴,۶ درصد می‌باشد (جدول ۵) که در میان مولفه‌های موجود در زیر مجموعه معضلات و مشکلات مدیریتی کشور، وجود ضعف در عزم ملی به منظور مقابله با قاچاق محصولات نساجی به کشور به دلیل ضعف و کم کاری در برخی از سطوح مدیریتی کشور به عنوان مهمترین مولفه در مشکلات و معضلات مدیریتی کشور با میزان ارجحیتی در حدود ۲۷,۴ درصد شناخته شده است (جدول ۶) و این بدان معنا است که اولاً مهمترین عامل در قاچاق محصولات نساجی به ایران، مشکلات و معضلات مدیریتی موجود در کشور بوده و ثانیاً تا زمانیکه کلیه سطوح مدیریتی کشور به این باور نرسند که به معنای واقعی کلام و با اراده‌ای راسخ، عزم ملی را در خصوص مقابله با قاچاق محصولات نساجی به کشور تقویت نمایند و مقابله ملی و همه جانبه با قاچاق کالا و ارز (به رغم تاکیدات مکرر رهبری معظم انقلاب اسلامی مد ظله العالی) در میان مهمترین برنامه‌های راهبردی سطوح مختلف مدیریتی کشور قرار نگیرد، عملاً شاهد اتفاق خاصی در خصوص جلوگیری از قاچاق محصولات نساجی به کشور نخواهیم بود.

منابع

- بیابانی، غلامحسین و علامحسین نظری (۱۳۹۱). بررسی ابعاد قاچاق کالا و روش‌های مبارزه با آن (در برخی کشورهای...). دوفصلنامه بررسی‌های حقوقی. (۲) ۳.
- توکلی، احمد و دهقانی سانجی، جلال (۱۳۸۹). بررسی عوامل تاثیرگذار بر توسعه صنعت نساجی (مطالعه موردی: صنعت نساجی یزد). ۳۱(۱۸).
- ثواقب، جهانبخش و میترا روشنی (۱۳۹۵). بررسی صنعت نساجی ایران در سده‌های چهارم و پنجم هجری. پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۲(۵).
- حسین‌نژاد، حسین و ملکی، محمدحسن (۱۳۹۴). شناسایی سناریوهای باورپذیر صنعت نساجی. فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت. ۱۰۴ (۲۶).
- خندان، عباس (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر افزایش قاچاق کالا و روش مبارزه با آن با عنایت به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی. اقتصاد پنهان. تابستان (۱۴ و ۱۵).
- درویشی، صیاد؛ میرزاخانی، عبدالرحمن؛ گودرزی، آیت و فرج‌الله هادیپور (۱۳۹۸). بررسی تأثیر اقدامات پلیس در مقابله با قاچاق کالا (مطالعه موردی شهرستان دلفان). فصلنامه علمی کارآگاه. ۴۸ (۱۲).
- شیخی، محمد (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر بهره‌وری کل عوامل صنعت نساجی و پوشاک ایران طی دوره‌ی زمانی ۱۳۷۲-۱۳۸۶. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه بوعلی همدان. دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
- صادقی سیاهکلی، مهسا (۱۳۹۵). شبیه‌سازی اثر قاچاق بر سرمایه‌گذاری در صنعت پوشاک ایران با استفاده از رویکرد پویایی‌شناسی سیستم‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
- صالحی، علی؛ طبیبی، محمدرضا؛ عسکری، محسن و فاطمه جابری (۱۳۹۳). چالش‌ها، موانع و راهکارهای پیشنهادی برای توسعه صنایع نساجی و چرم در ایران. مجله علوم و فناوری نساجی. سال چهارم. (۲). ۱۱.

- مداح، مجید (۱۳۹۱). ارزیابی، تحلیل و تخمین فرار مالیاتی ناشی از قاچاق پارچه و پوشاک به کشور (با تأکید بر اثرات تعرفه). فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی (۲) ۱.
- مسعودی و میرزایی (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا در استان ای مرزی: مورد مطالعه: استان کردستان. پژوهشنامه مطالعات مرزی، سال دوم، شماره اول.